

بررسی هوش در کارکنان

صفورا نقی زاده کچوسنگی ۱ و سعیده رزاقی ۲ (نویسنده مسئول)

۱دبیر آموزش و پرورش - کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی- استان تهران
۲ابواب جمعی اداره کل آموزش و پرورش استان تهران، واحد آموزش و پرورش ناحیه ۱ شهر ری، گروه علوم تربیتی، ایران

چکیده

سابقه و هدف: با توجه به گسترش روزافزون رقابت در دنیای کسب و کار و پاسخگو نبودن شرایط موجود جهت ماندگاری و رقابت پایدار در بازار پر جنب و جوش نوین و مدرن امروز، وجود سرمایه در سازمان ها می تواند یک نگاه جدیدی در بازار کسب و کار بوجود آورد که رقابت و سودهی پایدار سازمان ها را تضمین نماید. مواد و روشها: مطالعه حاضر از نوع توصیفی تحلیلی است و پس از بررسی مفاهیم با ارائه نتایج به پیشنهادات کاربردی پرداخته شده است. روش تحقیق حاضر توصیفی و روش گردآوری اطلاعات آن، کتابخانه ای است. بدین صورت که از منابع کتابخانه ای نظیر: کتاب، مقاله، منابع خارجی و ... و آموخته های محقق استفاده شده است.

یافته ها: از نظر این پژوهش این نکته حائز اهمیت است بدون درک واقعی سرمایه هرگز به دستاوردهای بزرگ نخواهیم رسید و تحولی نیز اتفاق نخواهد افتاد. رسیدن به سرمایه، نیاز به تغییر اساسی چارچوب ذهنی در خصوص فلسفه بنیادی کسب و کار دارد.

نتیجه گیری: از مباحث ایراد شده نتیجه گرفته می شود که هوش افراد را در یافتن راه حل برای مسایل زندگی توانمند می سازد. افرادی که دارای هوش بالاتری هستند، رابطه بهتری با دیگران (دانش آموزان و همکاران) برقرار می کنند، که این امر سبب بهبود کیفیت آموزش می شود.

واژگان کلیدی: هوش، توانمندی، یافتن راه حل، کیفیت آموزش، سرمایه

۱- مقدمه

هوش، جنبه های بیرونی هوش را با جنبه های درونی تلفیق می کند و ظرفیت خارق العاده ای در فرد ایجاد می کند، به گونه ای که می تواند هوش را به شکلی کاربردی مورد استفاده قرار دهد. یانگ (۲۰۰۷) بیان می کند: هوش ظرفیت انسان است برای جستجو و پرسیدن سؤالات غایی درباره معنای زندگی و به طور همزمان تجربه پیوند یکپارچه بین هر یک از ما و جهانی است که در آن زندگی می کنیم. از آنجایی که جهان سازمانی امروز، جهانی پر رقابت و پر چالش است، این تلاطم محیطی مدیران را بر آن داشته که بهبود عملکرد کارکنان را به عنوان استراتژی رقابتی خود در جهان امروز برگزینند [۱]. بنابراین زیربنای هر گونه حرکت به سوی رشد و توسعه و بهبود فرآیند عملکرد کارکنان در سازمان ها، شناخت دقیق وضعیت موجود، تشخیص نقاط قوت و ضعف و سپس طرح برنامه هایی سنجیده برای بهبود عملکرد است. اندیشه تأثیر هوش مدیران بر عملکرد کارکنان جنبه جدیدی از فعالیت های سازمان را آشکار می کند که هرگز به انسان ها، به چشم وسیله و ابزار نگاه نمی کند و با آنان همیشه با احترام و محبت رفتار می کند و به واسطه آن قابلیت های اخلاقی، علمی و اجتماعی کارکنان به سوی توفیق و سربلندی رهنمون می گردد [۲]

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر از نوع کیفی توصیفی و مروری تحلیلی می باشد که با جستجو در مقالات علمی و کتاب های مختلف و اینترنت به تدوین آن پرداخته شده است. از جمله مهم ترین موتورهای جستجو و پایگاه های اطلاعاتی معتبر مورد استفاده در این تحقیق عبارت بودن از: تحلیل محتوا یک شیوه پژوهشی است که برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام های ارتباطی به کار می رود. این شیوه ابتدا در علوم ارتباطات به کار گرفته شد و در حال حاضر، بخصوص در سال های اخیر این شیوه پژوهش در سایر علوم، از جمله علوم تربیتی نیز مورد استفاده قرار گرفته است. تحلیل محتوا به اعتقاد بیشتر صاحب نظران روش پژوهشی است که برای بیان مفاهیم یا واژه های معینی در یک متن و یا مجموعه ای از متون استفاده می شود. برخی نیز آن را یک روش تجزیه و تحلیل داده ها می دانند. متن می تواند شامل کتاب، فصل یا فصل هایی از یک کتاب، نوشته ها، مصاحبه، گفتگو، عناوین و مقالات مطبوعات و اسناد تاریخی باشد.

مبانی نظری

امونز هوش را اینگونه تعریف می کند چهارچوبی برای شناسایی و سازماندهی مهارت ها و توانایی های مورد نیاز برای درک عمیق سوالات حیاتی و بینشی برای سطوح چندگانه آگاهی [۳] علاوه بر بهبود کیفیت زندگی کاری کارکنان، کارایی کل سازمان را ارتقا می بخشد. روان شناسان مختلف، تعاریف متفاوتی از هوش ارائه کرده اند اما تعریفی که مورد توافق بیشتر پژوهشگران است عبارت است از هوش توانایی تفکر، یادگیری، حل مسائل، و سازش و تطبیق فرد با محیط خود است [۴]

هر چند همیشه در طول تاریخ صحبت از هوش بوده است، ولی تنها حدود یک قرن است که هوش به صورت علمی مورد بررسی قرار گرفته است. در ابتدا تواناییهای افراد در کار با اعداد و واژه ها و نیز توان را گرفت و به IQ تجسم فضایی او به عنوان هوش مطرح شد. ولی بعدها این تواناییها نام بهره هوشی یا تدریج سایر هوشهای انسان نیز بررسی و شناخته شدند. هر چند متفکرین مختلفی بر روی مباحث مربوط به هوش کار کرده و مدل های متفاوتی ارائه داده اند [۵] همه انسان ها از همه انواع هوش ها بهره مند هستند

اما هر فرد میزان متفاوتی از هر یک از انواع هوش را با خود به دنیا می آورد که در واقع توانایی های ویژه او است که به صورت بالقوه با او به دنیا می آید. والدین و مدرسه می توانند کمک بسیاری به کودکان به شناخت این پتانسیل ها و به فعل در آوردن آن ها کنند، اما نمی توانند تاثیر چشم گیری در تغییر میزان بعضی از این هوش ها بگذارند [۶]

نظریه های مختلفی نیز در مورد ابعاد و یا انواع هوش وجود دارد. به عنوان نمونه، گاردنر (۱۹۸۳) نظریه ی هوش های هشت گانه را عنوان می کند که عبارتند از: هوش زبانی-کلامی، منطقی-ریاضی، موسیقایی-موزون، دیداری-فضایی، بدنی-

جنبشی، درون فردی (شخصی) و هوش بین فردی و هوش طبیعت [۷] بعدها مقوله های هوش طبیعتگرا، یعنی هوش معنوی و هوش هستی گرا را مطرح کرد [۸]. اشترنبرگ نیز از سه نوع هوش سخن می گوید: هوش تحصیلی، هوش خلاق و هوش عملی [۹]

برای مشخص کردن انواع هوش تابحال چارچوب های تئوریک زیادی ارائه شده است، ولی در این میان دو چارچوب از مقبولیت بیشتری برخوردار بوده اند.

الف) تئوری هوش چندگانه گاردنر

ب) انواع هوش بر اساس کارکرد سیستم های عصبی مغز (بهره هوشی، هوش عاطفی و هوش) [۱۰].

در ادامه این دو نوع تقسیم بندی را بیشتر توضیح می دهیم.

الف- در میان محققانی که انواع مختلف هوش را شناسایی کرده اند، کار هوارد گاردنر در دانشگاه هاروارد بر روی هوش های چندگانه کمک زیادی به درک این مطلب کرده است که هوش چندوجهی است. اکنون حاصل کار وی مورد قبول بسیاری از صاحب نظران می باشد. تحقیقات گاردنر نشان می دهد که انواع مختلف هوش نسبتاً مستقل از یکدیگر رشد می کنند و مهارت در یک هوش، داشتن مهارت در هوش دیگر را تضمین نمی کند. این هوش ها عبارتند از هوش زبان شناسی، منطقی-ریاضی، موسیقی، فضایی، جسمی-حرکتی، بین فردی، درونی، و اخیراً نیز هوش طبیعی که به معنی توانایی تشخیص صفات گیاهان و جانوران است. همچنین وی اخیراً احتمال هوش وجودی را نیز پذیرفته است [۱۱] که می توان آن را به صورت جنبه ای از هوش در نظر گرفت. با وجود این که وی هنوز وجود هوش را تایید نکرده است، ولی اظهار می دارد که هوش مفهومی منطقی است و مستلزم بررسی های بیشتر است [۱۲]

هوش کلامی، زبانی

این نوع هوش یعنی توانایی استفاده از کلمات و زبان. این یادگیرنده ها مهارت های شنیداری تکامل یافته ای دارند و معمولاً سخنوران برجسته ای هستند. آن ها به جای تصاویر، با کلمات فکر می کنند [۱۳].

مهارت های آن ها شامل موارد زیر می شود:

گوش دادن، حرف زدن، قصه گویی، توضیح دادن، تدریس، استفاده از طنز، درک قالب و معنی کلمه ها، یادآوری اطلاعات، قانع کردن دیگران به پذیرفتن نقطه نظر آنها، تحلیل کاربرد زبان شغل های مناسب برای آنها عبارتند از: شاعر، روزنامه نگار، نویسنده، معلم، وکیل، سیاستمدار، مترجم هوش ریاضی-منطقی [۱۴]

هوش منطقی / ریاضی یعنی توانایی استفاده از استدلال، منطقی و اعداد. این یادگیرنده ها به صورت مفهومی با استفاده از الگوهای عددی و منطقی فکر می کنند و از این طریق بین اطلاعات مختلف رابطه برقرار می کنند. آنها همواره در مورد دنیای اطرافشان کنجکاوند، سوال های زیادی می پرسند و دوست دارند آزمایش کنند [۱۵].

مهارت های آنها شامل این موارد می شود:

مسئله حل کردن، تقسیم بندی و طبقه بندی اطلاعات، کار کردن با مفاهیم انتزاعی برای درک رابطه شان با یکدیگر، به کاربردن زنجیره طولانی از استدلالها برای پیشرفت، انجام آزمایش های کنترل شده، سوال و کنجکاوی در پدیده های طبیعی، انجام محاسبات پیچیده ریاضی، کار کردن با شکل های هندسی رشته های شغلی مورد علاقه آنها عبارتند از: دانشمند، مهندس، برنامه نویس کامپیوتر، پژوهشگر، حسابدار، ریاضی دان [۱۶]

هوش دیدی - فضایی - مکانی

این نوع هوش توانایی درک پدیده های بصری است. یادگیرنده های دارای این نوع هوش، گرایش دارند که با تصاویر فکر کنند و برای به دست آوردن اطلاعات، نیاز دارند یک تصویر ذهنی واضح ایجاد کنند. آنها از نگاه کردن به نقشه ها، نمودارها، تصاویر، ویدیو و فیلم خوششان می آید [۱۷].

مهارت های آنها شامل موارد زیر است: ساختن پازل، خواندن، نوشتن، درک نمودارها و شکل ها، حس جهت شناسی خوب، طراحی، نقاشی، ساختن استعاره ها و تمثیل های تصویری (احتمالا از طریق هنرهای تجسمی)، دستکاری کردن تصاویر، ساختن، تعمیر کردن و طراحی وسایل عملی، تفسیر تصاویر دیداری [۱].

شغل های مناسب برای آنها عبارتند از: دریاورد، مجسمه ساز، هنرمند تجسمی، مخترع، کاشف، معمار، طراح داخلی، مکانیک، مهندس [۲].

هوش موسیقایی - ریتمیک - موزون

این نوع هوش یعنی توانایی تولید و درک موسیقی. این یادگیرنده های متمایل به موسیقی با استفاده از صداها، ریتم ها و الگوهای موسیقی فکر می کنند. آنها بلافاصله چه با تعریف و چه با انتقاد، به موسیقی عکس العمل نشان می دهند. خیلی از این یادگیرنده ها بسیار به صداها محیطی (مانند صدای زنگ، صدای جیرجیرک و چکه کردن شیرهای آب) حساس هستند [۳].

مهارت های آنها شامل موارد زیر می شود:

آواز خواندن، سوت زدن، نواختن آلات موسیقی، تشخیص الگوهای آهنگین، آهنگ سازی، به یاد آوردن ملودی ها، درک ساختار و ریتم موسیقی

شغل های مناسب برای آنها عبارتند از: موسیقی دان، خواننده، آهنگساز [۴].

هوش حرکتی - جسمی جسمی

این هوش یعنی توانایی کنترل ماهرانه حرکات بدن و استفاده از اشیا. این یادگیرنده ها خودشان را از طریق حرکت بیان می کنند. آنها درک خوبی از حس تعادل و هماهنگی دست و چشم دارند (به عنوان مثال در بازی با توپ، یا استفاده از تیرهای تعادل مهارت دارند) آنها از طریق تعامل با فضای اطرافشان قادر به یادآوری و فرآوری اطلاعات هستند [۵].

مهارت های آنها شامل این موارد می شود:

رقص، هماهنگی بدنی، ورزش، استفاده از زبان بدن، صنایع دستی، هنرپیشگی، تقلید حرکات، استفاده از دست هایشان برای ساختن یا خلق کردن، ابراز احساسات از طریق بدن

شغل های مورد علاقه آنها عبارتند از: ورزشکار، معلم تربیت بدنی، رقصنده، هنرپیشه، آتش نشان، صنعتگر [۶].

هوش برون فردی.

هوش برون فردی که از آن با نام هوش اجتماعی هم نام می برند. این هوش در افرادی دیده می شود که از انواع فعالیت های اجتماعی و یا در کنار دوستانشان بودن لذت می برند. از تنها بودن بیزار هستند. این افراد از کارگروهی خوششان می آید و معمولا در هنگام فعالیت های اجتماعی و تعامل با دیگران بهتر آموزش می بینند. هنگام مشاجرات چه در خانه چه در مدرسه و یا در اجتماع همیشه نقش میانجی را به عهده می گیرند. و همیشه داوری ها و قضاوت را پیش او می برند [۷].

روش های آموزش برای این افراد از طریق فعالیت های دسته جمعی طراحی می شود، شاید طراحان این فعالیت های آموزشی برای این افراد خود نیز از این هوش بهره مند هستند. مشاورهای خوبی هستند و معمولا برای مشاوره به او مراجعه می کنند. خود نیز در مشکلات سعی می کند از مشورت دیگران استفاده کند [۸].

از فعالیت های اجتماعی مانند شرکت در انواع سازمان های غیردولتی، خیرخواهانه و کمک به حیوانات در حال انقراض، حفظ طبیعت، یا زلزله زدگان و سایر مصایب طبیعی جلودار هستند. از مهمانی لذت می برند و در جمع ها و مهمانی ها معمولا میدان دار هستند. این دسته از افراد معمولا اجتماعی می نامند. مصداق این افراد در ایران کسانی هستند که در میان اقوام و آشنایان و دوستان معمولا برنامه ریز و رهبر اجرایی - مراسم عزا - تدفین - تشییع جنازه - عروسی ها و مراسم دیگر مثل بازگشت از سفرهای مذهبی هستند و حتی در جشن تولد ها همیشه افراد خاصی را می بینید [۹].

این افراد در درک حالات روحی - مقاصد- اغراض- انگیزه ها و احساسات دیگران قابلیت بالایی دارند، دوست باز هستند و دوستان زیادی دارند. در میان جمع احساس راحتی می کنند. مشاغل و حرفه های موفقیت آمیز برای آنها: سیاستمدار، رهبر ارگان - سازمان - حزب و تشکیلات و نهادهای اجتماعی، معلم، واعظ، دیر [۱۰]

هوش درون فردی

یعنی توانایی ارتباط برقرار کردن و فهم دیگران. این یادگیرنده ها سعی می کنند چیزها را از نقطه نظر آدم های دیگر ببینند تا بفهمند آنها چگونه می اندیشند و احساس می کنند. آنها معمولا توانایی خار قالعاده ای در درک احساسات، مقاصد و انگیزه ها دارند. آنها سازمان دهنده های خیلی خوبی هستند، هر چند بعضی وقت ها به دخالت متوسل می شوند. آنها معمولا سعی می کنند که در گروه آرامش را برقرار کنند و همکاری را تشویق کنند. آن ها هم از مهارت های کلامی (مانند حرف زدن) و هم مهارت های غیر کلامی (مانند تماس چشمی، زبان بدن) استفاده می کنند تا کانال های ارتباطی با دیگران برقرار کنند [۱۱].

مهارت های آنها شامل موارد زیر می شود:

دیدن مسائل از نقطه نظر دیگران (نقطه نظر دوگانه)، گوش کردن، همدلی، درک خلق و احساسات دیگران، مشورت، همکاری با گروه، توجه به خلق و خو، انگیزه ها و نیتهای مردم، رابطه برقرار کردن چه از طریق کلامی چه غیر کلامی، اعتماد سازی، حل و فصل آرام درگیری ها، برقراری روابط مثبت با دیگر مردم .

شغل های مناسب برای آن ها عبارتند از: مشاور، فروشنده، سیاست مدار، تاجر [۱۲]

هوش طبیعت گرا

هوش طبیعت گر هشتمین هوش از دسته هوش های چندگانه است که در تقسیم بندی گاردنر گنجانده شده است. کسانی که از این هوش برخوردارند در تشخیص و تمیز دادن پوشش های گیاهی و جانوری مناطق مختلف و موارد دیگر در طبیعت مثل سنگ ها، ابرها مهارت دارد. این افراد از کوهنوری، جنگل نوردی، رفتن به پارک های طبیعی (جنگلی) لذت می برند. اغلب یک یا چند حیوان خانگی در منزل نگهداری می کنند. از فیلم های مربوط به زندگی حیوانات مثل راز بقا و غیره خوششان می آید، کتاب ها و مجله هایی که در مورد طبیعت و پدیده های طبیعی است را آبنونه، جمع آوری و مطالعه می کنند [۱۳]. در کلاس ها و دوره های زیست شناسی (گیاه شناسی) جانورشناسی شرکت می کنند و اطلاعات وسیعی در موارد آنها دارند. اغلب جذب گروه ها و سازمان هایی مثل نهادهای غیردولتی، طبیعت پاک، نجات حیوانات در حال انقراض، حمایت از حیوانات، بازگشت به طبیعت گیاه خواری - خام خواری - خام گیاه خواری وغیره می شوند. در کودک و سرگرمی اوقات فراغت آن ها پرورش گل و رفتن به باغ وحش از بهترین تفریحات آن هاست [۱۴].

مشاغل و حرفه های موفقیت آمیز برای آن ها: زنبورداری، دامداری، باغداری، جنگل بانی، زیست شناسی، دامپزشکی،

کشاورزی [۱۵]

ب - انواع هوش بر اساس کارکرد سیستم های عصبی مغز (بهره هوشی، هوش عاطفی و هوش).
چارچوب دیگری که برای مشخص کردن انواع هوش ارائه شده است، مبتنی بر کارکرد سیستم های عصبی مغز می باشد. زوهر و مارشال (۲۰۰۰) که ارائه کننده این چارچوب بودند، نتایج جالبی از مطالعات خود بر روی مغز بدست آوردند. آنها کارکرد مغز را از دیدگاه عصب شناسی بررسی کردند و همه انواع هوش های ممکن را به سه نوع سیستم عصبی اصلی در مغز پیوند دادند [۱۶]. عقیده دارند که همه هوش های دیگر زیرمجموعه های این نوع هوش قرار دارند:

۱ - بهره هوشی

۲ - هوش عاطفی

۳ - هوش [۱۷]

الف) تفکر خطی - بهره هوشی مغز:

اولین نوع همان بهره هوشی می باشد که مناسب حل مسائل ریاضی و منطقی می باشد.

ب) تفکر تعاملی - هوش عاطفی مغز:

دومین نوع نیز هوش عاطفی است که به افراد کمک می کند تا عواطف خود و دیگران را مدیریت کنند.

پ) تفکر متحدکننده - هوش مغز [۱]

بهره هوشی

در واقع اولین کسی که در زمینه بررسی علمی هوش اقدام کرد فرانسویس گالتون در اواخر قرن نوزدهم بود. اما آلفرد بینه فرانسوی در سال ۱۹۰۵ اولین نمونه آزمون واقعی هوش را تهیه نمود [۲]. اندازه گیری هوش با ترجمه انگلیسی پرسش نامه بینه در ایالات متحده برای سنجش هوش کودکان آمریکایی ادامه یافت. از آنجا که نمره هوش در روش بینه از تقسیم سن عقلی بر سن تقویمی به دست می آمد، نمره به دست آمده معروف شد. این مفهوم هوش، در واقع میزان توانایی شخص در استفاده از منطق، کار با IQ به بهره هوشی یا اعداد، تشخیص شباهت ها و توانایی تجسم های فضایی فرد بوده و مهارت های کلامی وی را نیز در بر می گیرد [۳]. بهره هوشی در واقع تفکر منطقی فرد است و به وی کمک می کند تا قواعد و قوانین را یاد بگیرد. نیمکره افراد تست های مختلفی طراحی شده است IQ چپ مغز مرکز فعالیت های بهره هوشی است. برای اندازه گیری [۴]

هوش هیجانی

به اختصار، توانایی درک و مدیریت احساسات خود و دیگران است که به توانایی EQ هوش هیجانی یا به افراد کمک می کند تا احساسات خود را بهتر EQ. برقراری ارتباطی مثبت و پایدار با دیگران می انجامد بینند و آن ها را مدیریت کنند. این هوش همچنین باعث می شود که فرد احساسات دیگران را دیده، درک نماید و عکس العمل مناسبی در مقابل آن نشان دهد [۵]. هوش هیجانی باعث می شود فرد در هر موقعیتی بهترین رفتار و عکس العمل را نشان دهد. هوش هیجانی در واقع شامل چهار مهارت است. مهارت های اول و دوم، که مهارت های درون فردی هستند، عبارتند از آگاهی از احساسات خود و مدیریت احساسات خود. مهارت های سوم و چهارم مهارت های برون فردی هستند که عبارتند از آگاهی از احساسات دیگران و مدیریت احساسات دیگران [۶]. بنابراین کسانی که دارای هوش هیجانی بالایی هستند می توانند ارتباط خوبی با دیگران برقرار کنند و چون این توانایی را دارند به طور ملموس دوستان بسیاری دارند. بسیاری از مسئولین دفاتر مدیران، مسئولین روابط عمومی، کارشناسان بازاریابی و فروش و مشاغل دیگر نیاز به افرادی دارند که دارای هوش هیجانی بالا باشند. مرکز فعالیت هوش هیجانی نیمکره راست مغز است. برای اندازه گیری هوش، هیجانی افراد نیز تست های معتبری در دسترس هستند [۷]

هوش جسمانی

نوع دیگری از هوش است که همه ما به طور تلویحی از آن آگاه هستیم، اما اغلب PQ هوش جسمانی یا به آن توجه نداریم. بدن، بسیاری از کارها را بدون تلاش آگاهانه انجام می دهد، مانند عملکرد دستگاه تنفس، فعالیت دستگاه گردش خون و قلب، سیستم عصبی و سایر دستگاه های حیاتی بدن. هنگام بیماری، دارو سرعت بهبود را افزایش می دهد، اما در نهایت بدن خودش را التیام می بخشد [۸]

هوش معنوی

کمک می کند منطقی فکر کند و تصمیم PQ، به فرد کمک می کند تا جسم سالم تری داشته باشد IQ کمک می کند تا با درک احساسات موجود در موضوع، شرایط موجود را بسنجد و بهترین تصمیم EQ، بگیرد به فرد این توانایی را می دهد که اگر از شرایط موجود راضی، SQ را بگیرد، درحالی که هوش معنوی یا نیست، آن را تغییر دهد و به سمتی که ترجیح می دهد، هدایت کند [۹]. هوش معنوی همان مفهوم خردمندی در فلسفه و عرفان شرقیان است که برای اولین بار در سال ۱۹۹۷ توسط دانا زوهرر به ادبیات سازمانی و بحث های مدیریتی غرب راه یافت [۱۰]. هوش معنوی، بهره هوشی و هوش هیجانی فرد را نیز مدیریت می

کند و توانایی استفاده بهینه از آن ها را فراهم می آورد. در شکل زیر هوش های مختلف بدن و ارتباط آن ها با یکدیگر : نشان داده شده است [۱۱]

بالا رفتن هوش معنوی به معنای نزدیک شدن به خود واقعی است، زیرا هوش معنوی موجب می شود تا خود واقعی خود را ببینیم، بپذیریم و دوست بداریم و به دنبال تغییری در خود برای اینکه دیگران را بیشتر تحت تاثیر قرار دهیم، نباشیم. هر یک از ما با ویژگیها و استعدادهای منحصر به فردی به دنیا می آییم و این هوش معنوی است که به ما امکان دیدن و پذیرفتن تواناییهای نامحدودمان در کنار محدودیت هایمان را می دهد [۱۲]. هر چند واژه هوش معنوی ممکن است در ذهن بسیاری، مفهومی مذهبی یا ماوراءالطبیعه را تداعی نماید، ولی حقیقت این است که هوش معنوی، یک اعتقاد یا مکتب فکری نیست، بلکه همچون سایر استعدادها و ویژگیهای ما، یکی از دارایی هایی است که با ما به دنیا می آید. کسی که هوش معنوی بالایی دارد از هیچ دسته بندی در نگاه و گفتار خود استفاده نمی کند، برایش پیر و جوان، سیاه و سفید، زن و مرد، هم وطن و غریبه، پولدار و فقیر هیچ تفاوتی ندارند، زیرا هوش معنوی همه تعصب ها و قوم گراییها را از ذهن فرد پاک می کند و به او نشان می دهد همه انسان ها با هر ظاهری، در هر شرایطی و متولد هر کجا که هستند و به هر زبانی که صحبت می کنند، دارای درک، احساس و اندیشه انسانی هستند و ویژگی های خاص خود را دارند، ولی هیچ یک از این ویژگی ها دلیل برتری فردی بر دیگری یا قومی بر قوم دیگر نیست، فقط اختلاف بین انسان ها است و دلیلی دیگر برای یگانگی تک تک افراد [۱۳]

هوش معنوی موجب می شود ذهن خود را برای ایجاد خلاقیت و نوآوری آزاد بگذاریم؛ رویاهای کودکی مان را دنبال کنیم و در مسیری که برای آن به دنیا آمده ایم، پیش رویم؛ وقتی مخالفیم، شهادت نه گفتن یا زیر سوال بردن بایدها و نبایدها را داشته باشیم؛ نگرش خود را در هیچ چارچوبی قفل نکنیم؛ ذهنمان را در هیچ منیت و خودخواهی و ترسی گیر نیندازیم؛ قضاوت و پیش داوری در مورد خود یا دیگران نداشته باشیم؛ بر روی رویدادها و افراد برجسب خوب و بد نزنیم؛ کنجکاوی آزادانه و بدون ترس دوران کودکی خود را حفظ کنیم؛ برای رودررویی با تغییرات در زندگی و کسب و کار آماده باشیم و از فرصت هایی که هر لحظه پیش طراوت ذهنی ما را حفظ می کند تا هرگز از میل به دانستن دست برنداریم و همیشه به دنبال پاسخ چراهای اساسی ذهنمان و علت وجودی خود باشیم تا دریابیم برای چه هدفی به دنیا آمده ایم و به دنبال آن هدف برویم [۱۴]. کسی که گفته ای نمی تواند خشم، حسادت، رنجش و یا هیچ حس ناخوشایند دیگری را در دلش برانگیزد، توقعاتش در برابر دیگران بسیار کم است، هنگامی که محبت می کند یا می بخشد از روی حسابگری نیست و انتظار متقابلی ندارد. مشکلات و اندوه دیگران را درک می کند و در رفتار ناخوشایند دیگران به دنبال دلیلی برای توهین به خودش نمی گردد زیرا از احساس همدردی و عشقی عمیق نسبت به همه انسان ها برخوردار است [۱۵]

هوش معنوی فرد را از بند زمان رها می کند. برای او گذشته درس های بسیاری داشته ولی او را در افسوس و تاسف در بند نکشیده است، آینده نیز حتما حوادث و پیشامدهایی در خود دارد ولی ذهن او با نگرانی ها و برنامه ریزی های مداوم برای آینده به طور دائم مشغول و گرفتار نیست. در حال زندگی می کند و از آن لذت می برد. هوش معنوی موجب می شود که فرد هنگام تصمیم گیری، نظرات مشورتی دیگران را بشنود، در مورد آنها فکر کند و در نهایت با ذهن تحلیل گر خود تصمیم بگیرد و اگر لازم باشد برای تصمیم های خود در مقابل جهان با آرامش بایستد. چنین فردی از مشکلات نمی ترسد، از اشتباه کردن نمی ترسد و امکان اشتباه را هم برای خودش و هم برای دیگران طبیعی می داند [۱۶]. هنگامی هم که بداند کاری که انجام می دهد یا مسیری که در آن به پیش می رود، اشتباه است، با آرامش و شهادت به آن اعتراف می کند و مسیر خود را تغییر می دهد. هوش معنوی میان رفتار و گفتار فرد یگانگی ایجاد می کند و همان گونه که فکر می کند، به فرد صداقت، شهادت، خردمندی و آرامشی می دهد که هیچ عامل بیرونی نمی تواند آن را در هم بریزد [۱۷]

بحث و نتیجه گیری

از مباحث فوق نتیجه گرفته می شود که هوش موجب می شود ذهن خود را برای ایجاد خلاقیت و نوآوری آزاد بگذاریم؛ رویاهای کودکی مان را دنبال کنیم و در مسیری که برای آن به دنیا آمده ایم، پیش رویم؛ وقتی مخالفیم، شهادت نه گفتن یا زیر سوال بردن بایدها و نبایدها را داشته باشیم؛ نگرش خود را در هیچ چارچوبی قفل نکنیم؛ ذهنمان را در هیچ منیت و خودخواهی و ترسی گیر نیندازیم؛ قضاوت و پیش داوری در مورد خود یا دیگران نداشته باشیم؛ بر روی رویدادها و افراد برجسب خوب و بد نزنیم؛ کنجکاوی آزادانه و بدون ترس دوران کودکی خود را حفظ کنیم؛ برای رودررویی با تغییرات در زندگی و کسب و کار آماده باشیم و از فرصت هایی که هر لحظه پیش طراوت ذهنی ما را حفظ می کند تا هرگز از میل به دانستن دست برداریم و همیشه به دنبال پاسخ چراهای اساسی ذهنمان و علت وجودی خود باشیم .

منابع و مأخذ

- [۱] سهرابی، فرامرزی. (۱۳۸۵). درآمدی بر هوش معنوی. فصلنامه معنا. ویژه نامه روان شناسی دین، شماره ۲
- [۲] صفوی، سعید؛ وهابیان، امیر. (۱۳۹۱). مدیریت عملکرد (راهبردهای کلیدی و راهنمای عملی). انتشارات جهاد دانشگاهی.
- [۳] صمدی، پروین. (۱۳۸۷). هوش معنوی. اندیشه نوین تربیتی، دوره ۲ شماره ۳ و ۴
- [۴] طبرسا، غ. (۱۳۷۸). بررسی و تبیین نقش اقتضانات استراتژیک در انتخاب الگوی ارزیابی عملکرد سازمانهای دولتی. مجموعه مقالات همایش ارزیابی عملکرد دستگاههای اجرایی کشور.
- [۵] عادل، علیرضا. (۱۳۸۴). ارزیابی عملکرد نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران در برقراری نظم و امنیت شهرستان بم. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی. ۲۱۴-۲۱۵
- [۶] عباس پور، ع. (۱۳۸۲). رویکردها، فرایندها و کارکردها. مدیریت منابع انسانی، ۱
- [۷] عبدالله زاده، حسن؛ باقرپور، معصومه؛ بوژمهرانی، سمانه و لطفی، محدثه. (۱۳۸۸). هوش معنوی (مفاهیم، سنجش و کاربردهای آن). تهران: انتشارات روانسنجی.
- [۸] عسگری وزیر، علی؛ زارعی متین، حسن. (۱۳۹۰). هوش معنوی و نقش آن در محیط کار با تأکید بر آموزه های دینی، سال اول، شماره سوم.
- [۹] شعری، فرزانه (۱۳۹۱). شایستگی های مدیران جهانی و تاثیر آن بر عملکرد شرکتی آنان؛ پایان نامه کارشناسی ارشد در رشته مدیریت بازرگانی؛ دانشگاه خلیج فارس بوشهر
- [۱۰] غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلیا؛ نوری مقدم، ثنا. (۱۳۸۶). هوش معنوی، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال سوم، شماره دهم، انتشارات نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- [۱۱] فتاحی، مهدی و فرهنگی، علی اکبر. (۱۳۸۷). هوش معنوی، وحدت بخش دیگر انواع هوش. فصلنامه مدیریت و توسعه، سال دهم، شماره ۳۷
- [۱۲] فرامرزی، سالاری؛ معماری، رضا؛ سلطان حسینی، محمد. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی. دانشجوین، دو فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اسلام و روانشناسی، سال سوم، شماره ۵
- [۱۳] قربان زاده، لیلیا. (۱۳۹۲). تاثیر هوش معنوی بر عملکرد کارکنان در سازمان. پایگاه مقالات علمی مدیریت
- [۱۴] قنبری، سیروس؛ پرویز نویدی و لیلیا نعمتی (۱۳۹۴) نقش هوش معنوی در عملکرد شغلی کارکنان آموزش و پرورش کرمانشاه، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، بصورت الکترونیکی، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار

- [۱۵] کشمیری، مهدیه؛ عرب احمدی، فاطمه. (۱۳۸۷). هنجاریابی مقدماتی آزمون هوش معنوی در دانشجویان دانشگاه منابع طبیعی شهر گرگان، پایاننامه رشته روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور مرکز بهشهر.
- [۱۶] کدخدا، محمد؛ جهانی، حوریه. (۱۳۸۹). منطق پذیری هوش معنوی در فرایند تصمیم گیری. سومین کنفرانس ملی و مهندسی و مدیریت نوآوری ایران. (TRIZ) خلاقیت شناسی، تریز
- [۱۷] کدخدا، محمد؛ جهانی، حوریه (۱۳۸۹) منطق پذیری هوش معنوی در فرایند تصمیم گیری؛ سومین کنفرانس ملی خلاقیت شناسی، تریز و مهندسی و مدیریت نوآوری ایران